

تاریخ‌نگاران - ۷

شرح حال ابوبکر محمد نرشی

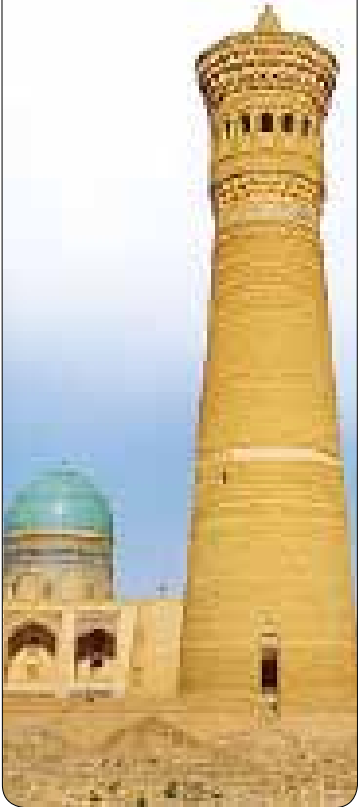
فرزانه صدیقی

■ پس از پیروزی اعراب بر ایرانیان و استیلای آنها بر ایران، استقلال و قدرت محض ایرانیان به محاق رفت و آنها تنها تحت نظارت مستقیم و غیرمستقیم‌دربار خلافت می‌توانستند حکمفرمایی کنند هرچند که در طول این مدت شورش‌هایی در مناطق مختلف ایران سر زد و حکومت‌هایی محلی شکل گرفت که تلاش می‌کردند به صورت مستقل حکومت کنند. یکی از این حکومت‌های نیمه‌مستقل که سعی می‌کردند شکوه ایران باستان را دوباره زنده کنند حکومت نخبه‌گرای ساسانیان بودند که نسب خود را به بهرام چوبین می‌رسانیدند. آنها حاکمانی فرهنگ‌دوست بودند که در شرق و در ناحیه خراسان و ماوراءالنهر حکومت و سعی می‌کردند که برای گسترش و شکوفایی فرهنگ اسلامی و ایرانی اسباب دانشمندان و عالمان و نویسندگان و شعرا و دبیران را مهیا کنند و هم از این‌رو بود که دربار آنها مقر چنین افرادی بود. از جمله دانشمندان بنام این دربار می‌توان به ابوبکر محمد نرشنخی مورخ صاحب‌نام و صاحب‌سبک اشاره کرد.

نرشنی در سال ۲۸۶ هجری قمری در روستای نرشیخ بخارا به دنیا آمد. از شرح حال زندگانی او اطلاعات دقیقی در دسترس نیست جز اینکه عبدالکریم سمعی، نویسنده کتاب الانساب، نام و نسب دقیق او را اینچنین ضبط کرده: «ابوبکر محمد بن جعفر بن زکریا بن خطاب بن شریک بن بزیع (بزیع) النرشنخی» و او را بخاری دانسته (الانساب، ج ۱۳، صص ۷۷-۸). نرشنی را با اثر بسیار معروف به نام تاریخ بخارا یا مزارات بخارا می‌شناسند. او این اثر را در سال ۳۳۲ هجری قمری به زبان عربی نگاشت و آن را به نام نوح بن سامانی از پادشاهان فرهنگ‌دوست سامانی ثبت کرد. متأسفانه اصل این کتاب که به زبان عربی بود از بین رفته است چرا که در سال ۵۲۲ ه‍.ق ابونصر احمد بن‌محمد بن‌نصر القباوی آن را به فارسی ترجمه کرد و مطالبی هم از کتب دیگر بر آن افزود و در سال ۵۷۴ ق محمد بن زفر بن عمر آن را تلخیص کرد. گویا بعد از این تاریخ نیز دیگران در این کتاب دست بردند و بعضی حوادث را تا دوره مغول بر آن افزودند و آنچه که امروز به دست ما رسیده است گویا همین اثری است که قباوی ترجمه و تلخیص کرده است.

علاوه بر این علامه قزوینی در انتساب این کتاب به نرشنی شک دارد. دلیل او بر این مدعا آن است که سمنعی - به عنوان تنها کسی است که از ابوبکر نرشنی سخن گفته - هیچ اشارای به این کتاب نکرده است، ولی هنگام سخن گفتن از نرشنی، اشاره کرده است که او کتابی داشته است به نام تاریخ بخارا. به گفته محمد قزوینی، ظاهرا این تصحیف یا توسط شفر، مصحح فرانسوی تاریخ بخارا، یا در نسخه مورد استفاده او صورت گرفته و سپس شهرت یافته است (یادداشت‌های قزوینی، ج ۷، ص ۱۹۹). هرچند که علامه قزوینی برای شک و شبهه خود ادنه می‌آورد اما دکتر قنوات معتقد است که این ادله آنچنان قوی نیست که بتوان در انتساب کتاب تاریخ بخارا به نرشنی شک کرد. با تمامی این اوصاف تاریخ بخارا، شامل تاریخ محلی بخاراست که اطلاعات بسیار ارزشمندی از بخارا پایتخت سامانیان و شیوه حکومت آنها ارایه می‌کند که این اطلاعات می‌توانند علاوه بر پژوهش‌های تاریخی برای تحقیقات جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی آن دوره نیز مفیده فایده باشد چرا که این اثر اطلاعاتی در باب مسایل مختلفی چون آمار جمعیت، مهاجرت، طبقات، دسته‌ها و گروه‌ها، آداب و رسوم اجتماعی، تمایلات اجتماعی، نخبگان و نقش آنان، زنان، تغییرات دینی و اجتماعی، شورش‌های سیاسی و مذهبی، خشونت، اقتصاد بخارا و غیره به ما ارایه می‌کند.

در حال حاضر این کتاب ارزشمند را سیدمحمدتقی مدرس‌رضوی تصحیح کرده و مقدمه‌ای بر آن نوشته و در دسترس است. نرشنی در سال ۳۴۸ دیده از جهان فرو بست.



مجازات زندان برای سران نهضت آزادی

قربانگاه مبارزات مدنی

پیام حسین‌پور

همراه ۱۳۴۲ سران تشکل سیاسی نهضت آزادی ایران پا در جلسه محاکمه خود در محکمه نظامی گذاشتند که رژیم شاه برایشان ترتیب داده بود. محکمه‌ای که می‌کوشید مبارزات مدنی این تشکل سیاسی نوآندیش دینی را به مسلخ بکشد. دادگاه آنان چه در زمان برگزاری و چه در زمان اعلام حکم بدوی جنجال‌های زیادی برانگیخت و در همان دادگاه‌ها بود که مهندس مهدی برانگیخت و در همان سال زندان، شش سال زندان، عزت‌الله سحابی چهار سال زندان، آن به سوی مبارزات رادیکال و قهرآمیز خواهد رفت که پیش‌بینی درستی هم بود زیرا رژیم شاه با بستن فضای پارلمنتاریستی در کشور مثنی مبارزات را به سمت مبارزه قهرآمیز و مسلحانه برده، فداییان اسلام، حزب ملل اسلامی، چریک‌های فدایی خلق، مجاهدین خلق ... نیروهای بودند که در دهه ۴۰ خورشیدی دست به اسلحه بردند



نگرش‌های میلسپو در مورد اوضاع ایران

پیش‌بینی بوروکراسی ناراضی‌تراش در ایران

وحید عابدین‌پور

مجلس شورای ملی ۱۷دی ۱۳۳۳ اختیارات دکتر میلسپو آمریکایی را که با مدیر کل وقت بانک ملی درگیری پیدا کرده بود، لغو کرد. میلسپو که معتقد بود تا ایرانیان به مالیات دادن عادت نکنند و بوروکراسی پیچیده ایران از رشوه، پارتی بازی و توصیه (عمال نفوذ) تا تنبلی کارمندان، بی‌اعتنایی نسبت به مراجعان، بی‌دقتی و امروز و فردا کردن از میان نرود و نظام استخدام دولتی دگرگون نشود و از سیستم رسمی و قراردادی در نیاید، مسایل ایران حل نخواهد شد و برای حل این معضل که ریشه ۷۰۰ساله (از زمان مغول‌ها) دارد، نیاز به یک انقلاب اداری است و این انقلاب یک «پیش‌انقلاب» لازم دارد و آن حل مساله مالیات در ایران است. میلسپو که ۹ روز پس از سلب اختیارات کناره‌گیری خود را اعلام داشت و به آمریکا بازگشت، در این کشور در یک مصاحبه مطبوعاتی عمومی این پیش‌بینی خود را ابراز داشت که بوروکراسی ناراضی سزای ایران سرانجام به انقلاب منجر خواهد شد که در آن همه چیز دگرگون و زیر و رو خواهد شد.

هیات مالی آمریکا به رهبری دکتر میلسپو در دو مقطع زمانی یعنی سال‌های (۱۹۳۷-۱۹۲۱ م» و سال‌های (۱۹۴۵-۱۹۴۳ م» به دعوت دولت ایران برای سامان دادن به اوضاع اقتصادی کشور وارد ایران شدند که دوره اول ماموریت آنها مصادف با اوضاع

ناسامان اقتصادی ایران بعد از جنگ جهانی اول و دوره دوم ماموریت‌شان مقارن با جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین بود.

میلسپو طی دو دوره حضور خود در ایران علاوه بر مسایل اقتصادی که به حیطه شغلی او مربوط می‌شد، به مسایل دیگر ایران با دیدی تیزبین نگاه کرده و در دو کتاب خود به جزئی‌ترین مسایل کشور پرداخته و معضلات، مشکلات، نقاط ضعف و قوت کشور را منعکس کرده و راحل‌هایی برای حل مشکلات ارایه داده است. در حیطه مسایل اقتصادی کشور او نقاط ضعف کشور را در نداشتهن یک برنامه صحیح برای استفاده و توزیع بودجه مملکت، عدم مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی، رشوه‌گیری ماموران اقتصادی، بی‌نظمی در پرداخت و وصول مالیات‌ها، تاثیر مخرب جنگ جهانی و حضور بیگانگان بر مسایل اقتصادی، عدم وجود یک برنامه صحیح برای بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های طبیعی و ذخایر معدنی کشور و ... می‌داند.

ایجاد انجمن نجات مشروطیت در اصفهان

پاسداران انقلاب اجتماعی

عارف حجتی

انقلاب مشروطه ایران را کیست که بگوید یکی از پرفراز و فرودترین انقلاب‌های اجتماعی تاریخ ۳۰۰-۲۰۰ سال گذشته نبوده است: انقلابی که تازه پس از پیروز شدن نمایان کرد در کشوری که بسترهای اجتماعی و فرهنگی و سیاسی‌اش برای وقوع انقلاب آماده نباشد، وقوع انقلاب می‌تواند خرابی‌هایی را هم به همراه آورد، نه از حیث نوگرایی بلکه از آن رو که پدیده هرج و مرج به پدیده‌ای رایج در دوران پسا انقلابی در کشورهای با شرایط فوق‌الذکر بدل می‌شود. البته در ایران پسامشروطه‌ای با توجه به اینکه آزادی‌خواهان و مشروطه‌خواهان طراز اولی در سراسر کشور بودند،

تاریخ

انحلال ساواک توسط بختیار

وقتی اپوزیسیون پوزیسیون می‌شود

نیمایا بگبان

شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر رژیم محمدرضا پهلوی بود که در پی عدم موافقت سایر سران جبهه ملی از جمله دکتر غلامحسین صدیقی با پیشنهاد شاه مبنی بر نخست‌وزیر شدن وی، به این مقام دست یافت، اما چه سود که دستاویزی چون نخست‌وزیری نیروهای اپوزیسیون هم دیگر نمی‌توانست رژیم درآمده شاه را نجات دهد. بختیار در روز چهارشنبه ۱۳ دی ۱۳۵۷، در گفت‌وگو با خبرنگاران داخلی و خارجی، به اجمال مهم‌ترین برنامه‌های داخلی و خارجی خود را مطرح کرد و اندکی بعد در روز ۲۱ دی هنگام معرفی کابینه‌اش به مجلس شورای ملی، برنامه‌های خود را به صورت تفصیلی طرح کرد. در این برنامه‌ها که مسایلی همچون محاکمه سریع غارتگران و متجاوزان به حقوق ملت، آزادی تمامی زندانیان سیاسی، لغو تدریجی حکومت نظامی، پرداخت غرامت از طرف دولت به خانواده‌های شهدا، ایجاد زمینه نزدیک همکاری بین دولت و روحانیون، ایجاد امنیت اجتماعی در پناه قانون ... مورد توجه قرار گرفته بود، انحلال ساواک در رأس برنامه‌ها و به‌عنوان اولین آنها مطرح شده بود.

یکی از تالش‌ها و برنامه‌های پرسرصدای دولت بختیار، انحلال ساواک بود. ساواک باوجود سسال‌ها فعالیت و برقراری امنیت ظاهری، هم‌زمان با اوجگیری نهضت جنبش انقلابی مردم ایران، دیگر کارایی لازم را نداشت و قادر به پیش‌بینی و آرایه راحل‌های به موقع نبود، بلکه

برخی راحل‌هایی که وی برای حل این معضلات در کشور آرایه می‌دهد، عبارتند از: تقویت بخش کشاورزی، «میلسپو اعتقاد داشت ایران قبل از روی‌آوری به صنعت باید در بخش کشاورزی به مرحله قابل توجهی از پیشرفت رسیده باشد تا بتواند در بخش صنعتی موفق عمل کند»، مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی دولت، تنظیم یک بودجه و نظام مالیاتی مناسب در کشور ... در حیطه سیاسی و اجتماعی میلسپو به حضور متفقین در کشور، سیاست‌های متعارض آنها در کشور، جنگ جهانی و چپاول ذخایر نفت، کمبود بهداشت و نبودن مراکز آموزشی، توصیف خلق و خوی مردم و آداب و رسوم آنان و وضعیت آشفته ادارات دولتی پرداخته است.

اما موضوعی که در مورد ماموریت‌های ماموران آمریکایی و به‌خصوص میلسپو نادیده گرفته شده، ماهیت ماموریت آنان است. که شاید به علت اقدامات و تغییراتی

که این ماموران در آن مقطع زمانی به وجود آورده‌اند، پرداختن به این موضوع

نادیده گرفته شده باشد. تحقیقات گذشته تا حدودی به ذکر ماموریت

میلسپو و اقدامات و اصلاحات و به طور کلی نتایج حضور او در ایران پرداخته‌اند و به این مساله که آیا میلسپو به غیر از اصلاحات اقتصادی انگیزه دیگری که همانا ماندگاری بیشتر آمریکا در ایران برای بهره‌برداری از منابع آن در آینده

است، کمتر پرداخته‌اند. ولی نکته مهم اینجاست که میلسپو در بخش‌های آخر کتاب خود و همین‌طور در لایه‌ای مطالب خود در مورد مسایل کلی کشور به اهمیت حفظ ایران به‌عنوان پایگاهی مهم از نظر استراتژیک و اقتصادی برای آمریکا تاکید دارد با توجه به اینکه او قبل از ورود به ایران یکی از محرکان اصلی شرکت‌های تجاری آمریکایی برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت در ایران بوده است.

دولت آمریکا در ابتدای کار متوجه این اهمیت نیست یا شاید میلسپو این‌طور وانمود می‌کند تا آمریکا را کشوری بی‌طرف جلوه دهد ولی در پایان ماموریت میلسپو آمریکا هم متوجه آینده مهم ایران در منطقه شده و نظارش روی منابع طبیعی ایران متمرکز می‌شود. چنان‌که وزارت خارجه آمریکا طی ماموریت دوم به او گوشزد می‌کند که ایران در آینده منابع سرشاری از لحاظ اقتصادی (نفت) و استراتژیکی (جغرافیا) برای آمریکا به همراه خواهد داشت.

کشف سازمان جوانان حزب توده ایران

روزبه‌روز در محاق بعد از کودتا

پارسا رفعت

توده عمدتا توسط همین جوانان توزیع می‌شده و باید هر ما ۱۰ ربال (یک تومان) حق عضویت پرداخت می‌کردند. در پی کشف این سازمان که شایع شده بود ۱۰ درصد جوانان کشور را شامل می‌شد، خانواده‌ها شدیدا نگران شدند زیرا بازرسی و تحقیق و دستگیری در دبیرستان‌های سراسر کشور آغاز شده بود. در آن زمان گفته می‌شد به هر جوان عضو این سازمان، بلافاصله پس از لو رفتن سازمان، یک شماره چندرقمی برای تجدیدسازمان

در آینده داده شده است تا در صورت مراجعه مجدد آن را ارایه دهند و خانواده‌های نگران کتب درسی فرزندان خود را در جست‌وجوی این ارقام ورق می‌زدند تا آن را در دور بریزند. کشف سازمان جوانان حزب توده اما هیچ‌گاه به اندازه کشف سازمان افسران نظامی حزب توده (در همین کشور، سیاست‌های متعارض آنها در کشور، جنگ جهانی و چپاول ذخایر نفت، کمبود بهداشت و نبودن مراکز آموزشی، توصیف خلق و خوی مردم و آداب و رسوم آنان و وضعیت آشفته ادارات دولتی پرداخته است.

اما موضوعی که در مورد ماموریت‌های ماموران آمریکایی و به‌خصوص میلسپو نادیده گرفته شده، ماهیت ماموریت آنان است. که شاید به علت اقدامات و تغییراتی

که این ماموران در آن مقطع زمانی به وجود آورده‌اند، پرداختن به این موضوع نادیده گرفته شده باشد. تحقیقات گذشته تا حدودی به ذکر ماموریت میلسپو و اقدامات و اصلاحات و به طور کلی نتایج حضور او در ایران پرداخته‌اند و به این مساله که آیا میلسپو به غیر از اصلاحات اقتصادی انگیزه دیگری که همانا ماندگاری بیشتر آمریکا در ایران برای بهره‌برداری از منابع آن در آینده

است، کمتر پرداخته‌اند. ولی نکته مهم اینجاست که میلسپو در بخش‌های آخر کتاب خود و همین‌طور در لایه‌ای مطالب خود در مورد

مسایل کلی کشور به اهمیت حفظ ایران به‌عنوان پایگاهی مهم از نظر استراتژیک و اقتصادی برای آمریکا تاکید دارد با توجه به اینکه او قبل از ورود به ایران یکی از محرکان اصلی شرکت‌های تجاری آمریکایی برای سرمایه‌گذاری در بخش نفت در ایران بوده است.

دولت آمریکا در ابتدای کار متوجه این اهمیت نیست یا شاید میلسپو این‌طور وانمود می‌کند تا آمریکا را کشوری بی‌طرف جلوه دهد ولی در پایان ماموریت میلسپو آمریکا هم متوجه آینده مهم ایران در منطقه شده و نظارش روی منابع طبیعی ایران متمرکز می‌شود. چنان‌که وزارت خارجه آمریکا طی ماموریت دوم به او گوشزد می‌کند که ایران در آینده منابع سرشاری از لحاظ اقتصادی (نفت) و استراتژیکی (جغرافیا) برای آمریکا به همراه خواهد داشت.

دوران استبداد هولناک محمدعلی شاه قاجار منام با مخالفت، اعتراض و شورش از سوی توده‌های مردم به رهبری سردمداران مشروطه مواجه می‌شد که یکی از این حرکت‌ها تاسیس انجمن نجات مشروطه در اصفهان بود. در پی لغو مشروطیت از سوی محمدعلی شاه قاجار، در ۱۶ دی سال ۱۲۸۸ نجفقلی مصصام بختیاری در اصفهان انجمن نجات مشروطه را تاسیس و اعلام کرد که با سه‌هزار سوار رهسپار تهران خواهد شد تا محمدعلی‌شاه را بیرون براند و این در حالی بود که حاکم وقت اصفهان از ترس به کنسولگری انگلستان پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.

پناهنده شده بود.